… ای ياران عبدالبهاء در اين موسم گذشته شتا اين آواره…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ١١٦

… ای ياران عبدالبهاء در اين موسم گذشته شتا اين آواره باديه محبّة اللّه در بستر رنجوری هم‌آغوش ضعف و آلام بود و هر شب مبتلا به نوبت تب اعصاب باوجود اين سر به بالين ننهاد بلکه هر روز از حين طلوع تا نيم شب به نهايت تعب مشغول به تمشيت امر موکول بود و همچنين به ياد ياران در نهايت هيجان بود از رنجوری خويش دم نگشود و ابرازی ننمود و ياران حاضر بعد از مدّتی آگاه گشتند و ضعف جسمانی به درجه‌ای بود که به ظاهر اميد زندگانی نبود الحمد للّه دی رفت و بهار آمد شدّت زمهرير گذشت طراوت و لطافت ربيع بديع جلوه نمود عيد رضوان آمد و موسم گل و ريحان رسيد و سنبل و ضيمران دميد و گل صدبرگ خندان چهره برافروخت و عندليب خوش‌الحان نغمه جانفشانی آموخت ولوله در صحن چمن افتاد و غلغله به عنان آسمان رسيد طيور شکور به محامد و نعوت ربّ غفور پرداختند و نفوسی تازه بر نشر نفحات الهيّه در جهان باختر برخاستند ولی خراسان فی‌الحقيقه هميشه خورستان يعنی کشور آفتاب و شمس‌آباد حال نيز اميد چنين است که در اين امر چنان شعله ور گردد و شوری افکند که ولوله از آن خاور به باختر اندازد نظر عنايت ربّ کريم همواره معطوف به آن اقليم بود و آغاز نفوذ کلمة اللّه در آن کشور نصّ صريح نور مبين ديگر ملاحظه نمائيد که چه بايد نمود و چه شوری بايد افکند و چه آواز و شهناز بايد بلند نمود و چه جشنی بايد بر پا کرد و چه بزمی بايد بياراست تا آهنگ بديعش به فلک اثير رسد و نغمه رود و عودش به ملأ اعلی صعود کند\*\*.\*\*

ياران الهی بايد سراپا ناطق گردند و صبح صادق شوند و باوجود سکون داد سخنوری دهند يعنی در کمال متانت و وقار به رفتار و کردار نفوس را بيدار نمايند جوهر تقديس شوند و آيت تنزيه گردند انوار انقطاع از وجوه باهر و آثار هدايت کبری در جبين ظاهر گردد به قسمی روش و سلوک نمايند که ملوک را مملوک کنند و اميران را اسير محبّة اللّه و عليکم التّحيّة و الثّناء\*\*.\*\* ع ع

